

انسان‌شناسی معماری:

معرفی روشی برای ثبت اندیشه‌های طراحان معاصر ایران

هادی صفایی پور*

چکیده

در دهه‌های گذشته، برخی پژوهشگران تاریخ معماری، با پیوند دو حوزه «مطالعات تاریخ معماری» و «مطالعات انسان‌شناسانه» به سراغ معماران سنتی معاصر ایران رفته و از آنها، به عنوان مراجع فهم و شناخت معماری سنتی استفاده کرده‌اند. مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بسیاری از این پژوهش‌ها، ابزار مناسبی جهت مواجهه با منابع شفاهی و ثبت اندیشه‌های طراحان معاصر سنتی در اختیار نداشته و نتوانسته‌اند اطلاعاتی عمیق و دقیقی را به روشی علمی و موثق گردآوری کنند. این مقاله با تمرکز بر این مشکل روش‌شناسانه، با بهره‌گیری از مبانی و روش‌های وابسته به تحقیق کیفی، به ارائه مدلی برای گردآوری اطلاعات در چنین پژوهش‌هایی می‌پردازد. بدین منظور، نخست، ویژگی‌های چهارچوب چنین تحقیقی در چهار بخش رویکرد و محیط تحقیق تشریح می‌گردد. سپس، روش نمونه‌گیری و گردآوری اطلاعات تحقیق همراه با مبانی پشتیبان آنها به صورت تفصیلی ارائه می‌شود. در نهایت مدلی سه لایه برای گردآوری اطلاعات در بخش جمع‌بندی ارائه می‌گردد. در این مدل، اطلاعات به وسیله ترکیبی از روش‌ها شامل «مصاحبه نیمه‌ساختار یافته»، «تاریخ شفاهی»، «مشاهده مستقیم»، «مصاحبه عمیق نزد بنا» و «یادداشت میدانی» در ساختاری یکپارچه و هدفمند گردآوری می‌شود.

واژگان کلیدی: استادکار معمار، معمار سنتی معاصر، تاریخ شفاهی معماری، گردآوری اطلاعات،

روش تحقیق کیفی

۱. مقدمه

در دوران پیش از مدرن و در کشورهای اسلامی، بخش عمده کار معماری به عهده کسی بود که معمولاً به او «معمار»، «استاد معمار» یا «مهندس» می‌گفتند. او افزون بر طراحی معماری، طراحی سازه و وجوه مربوط به تنظیم محیط را خود انجام می‌داده است. گاه، خود طراحی برخی تزئینات بنا نیز بر عهده استاد بود. آنچنان که میان مجموعه طرح بنا، از معماری تا سازه و آرایه‌ها، هماهنگی و تناسب برقرار می‌شد. در مرحله اجرا نیز، معمولاً کار مدیریت اجرا و وظیفه همان معمار طراح بود. وی افزون بر اداره بخش‌های اجرایی، بخش‌های پیچیده و دشوار بنا را نیز خود اجرا می‌کرد. (قیومی بیدهندی، ۱۳۹۰، ص ۹۸-۹۹).

از سوی دیگر، معمار سنتی، فردی جامع‌الشرایط و مجهز به حکمت و مهارت و دارای منزلت والا در جامعه بود که وظیفه ساخت و جاری کردن احکام (شرعی، عرفی و سنتی) در اثر معماری را به عهده داشت.^۱ (حجت، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳). معماران سنتی در معماری تاریخی ایران با وجود برخورداری از چنین نقش برجسته‌ای، کمتر در کانون توجه مورخان بودند و به ندرت از آنها در میان منابع تاریخی یاد شده است. این امر موجب شده که امروزه اطلاعات بسیار محدودی از سنت‌ها، اندیشه‌ها، فنون و مهارت‌های آنان در اختیار باشد و چگونگی زندگی حرفه‌ای این اساتید در سایه ابهامی فراگیر قرار گرفته باشد.

در دوران معاصر، از ابتدای عصر قاجار و طی فرآیندی تدریجی، پیوندهای معماران سنتی با معماری سنتی گسسته شد و به ویژه از ابتدای قرن چهاردهم هجری خورشیدی، شیوه‌های سنتی طراحی، اجرا و آموزش در معماری به فراموشی سپرده و معماری دانشگاهی جایگزین آن شد. «در این تحول، معمار سنتی که خود طراح، سازنده و پردازنده اثر معماری بود، یا از میدان به در شد و یا به عنوان معجری (بنا) در اختیار ایده‌های مهندس معمار قرار گرفت. (حجت، ۱۳۸۹، ص ۱۳). چنین شد که معمار سنتی، در دوران معاصر نیز، میراث‌دار گمنامی اسلاف پیشین خود گردید و برای همیشه همان تصویر مبهمی که از این صنف وجود داشت نیز محو شد.

در این میان، با شکل‌گیری جریان‌های مختلف «معماری سنت‌گرا» در عصر پهلوی اول و

۱- سطحی والاتر از جایگاه معماران سنتی را محمد کریم پیرنیا معرفی می‌کند. وی، بالاترین سطح معماران سنتی را، جایگاه «مولانا» به معنای دانشمند و معمار بزرگ می‌داند؛ مرتبه‌ای گاه موجب می‌شده معماران به مقام وزارت هم برسند (میرلطیفی، ۱۳۸۴).

ادامه یافتن آنها در دوران پهلوی دوم و جمهوری اسلامی، نسل جدیدی از «معماران سنتی معاصر» ظاهر شدند که هرچند نزد مهندسين معمار کار می‌کردند؛ اما به نوعی با برخی سنت‌های شکلی و گاه با سنت‌های اجرایی، سازه‌ای و نظام کارگاهی شکل گرفته در معماری سنتی ایران هماهنگی و همسازی داشتند. از سوی دیگر، در این دوران با پایه‌گذاری مرمت مدرن در ایران، گروه دیگری از معماران سنتی پدیدار شدند که با اشتغال به امر مرمت بناهای تاریخی، به همکاری با کارشناسان مرمت پرداختند. این دو گروه، ماهیت اصلی معماران سنتی معاصر را تشکیل دادند.

بدین ترتیب، نسل جدید معماران سنتی در دوران معاصر، با احیای پیوندهای نیاکان خود با سنت‌های معماری سنتی، فرصتی دوباره برای بازشناسی و فهم این سنت‌ها فراهم کردند. برخی پژوهشگران حوزه مطالعات معماری ایران، نقش این مراجع را درک و مطالعاتی را بر آنها آغاز کردند. با وجود دستاوردهای به دست آمده، تحلیل این مطالعات نشان می‌دهد که عمده این پژوهش‌ها از منظر روش‌شناسی با مشکلاتی روبرو هستند. بخشی از این مشکلات ناشی از فقدان یک «چهارچوب روش‌شناسانه مناسب» در مواجهه با منابع شفاهی معماری است.

این مشکل که در اثر انتخاب نادرست رویکرد (پارادایم) و راهبرد تحقیق ایجاد می‌شود، موجب شده که بسیاری از پژوهش‌های پیشین، با نگاهی جزئی، اصالت را به جای مصاحبه‌شونده به مورخ دهند. این پژوهش‌ها، عموماً نگاه حداقلی به معماران سنتی داشته و آنها را به منبعی از «اطلاعات آماری» و یا «تجربیات فنی» تقلیل می‌دهند. در این مطالعات، پژوهشگر بیشترین نقش را در شکل‌دهی به جریان گردآوری اطلاعات دارد و به معمار اجازه چندانی برای تأثیرگذاری بر این فرایند نمی‌دهد.

از این‌رو، با روش‌هایی بسته و از پیش تعیین شده چون پرسشنامه یا مصاحبه ساختار یافته به میدان گردآوری داده‌ها می‌روند؛ به لحاظ معنایی، پرسش‌هایی ساده و محدود و کلی طرح می‌کنند و هم در شیوه گردآوری، هم ثبت و پیاده‌سازی و هم در شیوه پردازش داده‌ها، نقش مصاحبه‌شوندگان را به حداقل می‌رسانند. چنین رویکردی موجب می‌شود که هم‌زبانی و گفتگوی دوسویه میان معمار و پژوهشگر برقرار نشود. با این وصف، این آثار با تهیه یک فهرست موضوعی اولیه مربوط به هر معمار، می‌توانند بستر مناسبی را برای شکل‌گیری پژوهش‌های عمیق‌تر ایجاد کنند.

اما در مقابل، ظرفیت ورود به پژوهش‌هایی که در حوزه جهان فکری معمار شکل می‌گیرد را ندارند.

طرح تاریخ شفاهی ابنیه متبرکه حرم امام رضا (ع)؛ کتاب «تیشه‌داری: گذری بر آثار استاد محمدقاسم اخویان»، مربوط به معمار سنتی خراسانی (اخویان، ۱۳۸۷)؛ کتاب «معماران و مرمت‌گران سنتی اصفهان» (سجادی نایینی، ۱۳۸۷) و مقالات جداگانه این نویسنده در مجله فرهنگ اصفهان (سجادی نایینی، ۱۳۸۵ الف) که به معرفی استاد غلامرضا فرزانه‌ای محمدی (سجادی نایینی، ۱۳۸۵ ب) خاندان معمار سنمار (سجادی نایینی، ۱۳۸۳) استاد غلامرضا آقا ابراهیمیان (سجادی نایینی، ۱۳۷۷ الف) استاد حسین مصدق‌زاده (سجادی نایینی، ۱۳۸۰ ب)، استاد محمد مصدق‌زاده (سجادی نایینی، ۱۳۷۷ ب)، و حسین معارفی (سجادی نایینی، ۱۳۸۰ الف) پرداخته است؛ مصاحبه‌های انجام شده با استاد رضا بنام معماران (جانثاری، ۱۳۸۷) (قدیری، ۱۳۷۳ الف) و مقالات منتشر شده در مجله صفا از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ در بخشی با عنوان «آشنایی با استادکاران معماری سنتی ایران» که به‌کوشش بهرام قدیری و محمدرضا اولیا انجام شده به معرفی برخی استادکاران شامل استاد حاجی علی‌اکبر آخوند^۱ (اولیا و قدیری، ۱۳۷۲)، استاد رضا بنام معماران (قدیری، ۱۳۷۳ الف) استاد اسماعیل زهره (قدیری، ۱۳۷۳ ب) و استاد محمد غلامعلی شعرباف (قدیری، ۱۳۷۶) دو کتاب «گره و کاربندی» تألیف خود استاد (شعرباف، ۱۳۸۵ الف) و «گزیده آثار استاد اصغر شعرباف: گره و کاربندی» به اهتمام مهدی مکی‌نژاد (شعرباف، ۱۳۸۵ ب) و کتاب تدوین تجربیات خبرگان قنات (سمسار یزدی، ۱۳۸۳) نمونه‌هایی از مطالعات انجام شده با نگاه آماری، بسته و یک سویه هستند.

گروه دوم مشکلات پژوهش‌های پیشین، ضعف در شیوه اجرا و احکام عملی فرایند تحقیق است. از این منظر، پژوهش‌هایی که از یک روش عملی مستند و مستدل برخوردار باشند به ندرت دیده می‌شوند. به طور کلی می‌توان این مشکل را ناشی از عدم توجه به گفته‌های معمار سنتی به مثابه یک سند شفاهی از معماری سنتی و عدم توجه به اهمیت برخوردار صحیح با این اسناد دانست که موجب کاهش «پایایی» و «قابلیت اطمینان» نتایج تحقیق می‌گردد. عدم رعایت امانتداری

۱- همکاری محمدرضا اولیا در این اثر، موجب شده که سطوح وسیع‌تر و مفاهیم عمیق‌تری از زندگی حرفه‌ای این معمار سنتی معرفی و تحلیل شود.

نسبت به گفته‌های معمار، عدم برخورداری از دقت لازم در بیان نقل قول‌ها و تفکیک نکردن گفته‌های معمار و برداشت‌های پژوهشگر و کم توجهی در مستند کردن زمان، مکان و شرایط مصاحبه نمونه‌هایی از این خطاها هستند که می‌تواند منجر به شتاب‌زدگی در نتیجه‌گیری و سوگیری گردد. مصاحبه انجام شده با استاد محمد شعرباف (شعرباف، ۱۳۶۵)؛ معرفی خانواده شعرباف (پورنادری، ۱۳۷۹) معرفی هنرهای اربعه معماری سنتی (رییس زاده و مفید، ۱۳۸۴)، مصاحبه‌های انجام شده با استاد رضا بنام معماران و فرزندش بیوک معماران در دانشگاه شهید بهشتی از جمله نمونه‌هایی هستند که این مشکلات در آنها دیده می‌شود!

بر این اساس، مطالعه پژوهش‌های پیشین در حوزه معماران سنتی معاصر نشان می‌دهد که این مطالعات، با پرسش‌های اساسی و زیرساختی در حوزه روش‌شناسی تحقیق روبروست. یکی از این پرسش‌های مقدماتی آن است که چگونه می‌توان «اطلاعات عمیق و دقیق» را از این مراجع ارزشمند به «روشی علمی و موثق» کسب کرد؟ مقاله حاضر، با نگاه به این پرسش، روشی ترکیبی، که حاصل از مطالعات نظری و میدانی در رساله دکتری نگارنده است، را ارائه می‌کند. بدین منظور نخست، ویژگی‌های چهارچوب چنین تحقیقی در بخش اول تشریح می‌گردد. سپس، روش پیشنهادی برای نمونه‌گیری و گردآوری اطلاعات تحقیق ارائه می‌شود. در نهایت مدل سه‌لایه طراحی شده برای گردآوری اطلاعات طرح می‌شود.

۲. معرفی چهارچوب تحقیق و تأثیر آن در نمونه‌گیری

پیش از پرداختن به نحوه گردآوری اطلاعات، لازم است مشخص شود که تحقیق در زمینه اندیشه طراحانه معماران سنتی معاصر، از چه چهارچوبی برخوردار است. منظور از چهارچوب تحقیق در این نوشتار، رویکرد (پارادایم) و محیطی است که زیربنای تحقیق را شکل می‌دهد و امکان حرکت به سوی پرسش تحقیق را فراهم می‌سازد. در این بخش، رویکرد و محیط مناسب معرفی می‌شوند و الزامات و شرایط ناشی از این انتخاب تشریح می‌گردند.

رویکرد تحقیق: این پژوهش که با هدف رسیدن به «فهمی بهتر» از جهان طراحی در معماری سنتی ایران طرح‌ریزی شده است، با مبانی پژوهش‌های کیفی هماهنگی دارد. این رویکرد معمولاً

۱- تحلیل دقیق‌تر و جامع‌تر پژوهش‌های پیشین، در رساله دکتری پژوهشگر ارائه شده است.

جهت کشف موضوعی نو، درک عمیق‌تر یک مفهوم و ارائه یک نظر مشروح در مورد موضوعی خاص کاربرد دارد که با مسئله طرح شده در این تحقیق هماهنگی دارد. انتخاب این رویکرد، چگونگی بسیاری دیگر از اجزای روش تحقیق را روشن می‌کند. بر اساس این، در این تحقیق، گردآوری اطلاعات کیفی و مفاهیم مستتر در آنها دنبال می‌شود نه اطلاعات عددی و ضرایب قطعی؛ ابزارگردآوری اطلاعات، نامعین است و بسته به فرایند تحقیق مشخص می‌شود و تحقیق با کثرت ابزارها روبرو است؛ نمونه‌های انتخابی، کم حجم و محدود هستند. زیرا برای افزایش اعتبار تحقیق نیازی به افزایش گسترش نمونه آماری نیست. بلکه برعکس افزایش حجم جامعه آماری موجب ضعف تحقیق و نتایج سطحی می‌گردد؛ نقش پژوهشگر، در این تحقیق، فعال و موثر است نه خنثی و بی‌اثر؛ پژوهشگر، مشاهده‌گری آمیخته به متن و موثر در آن است که با بازیگری شرایط انتقال اطلاعات را فراهم می‌سازد؛ پژوهشگر به عنوان ناظری در حال یادگیری در منظر وارد می‌شود نه داوری جزمی. بنابراین ارتباط پژوهشگر با متن، گسترده است؛ محیط پژوهش، بر خلاف پارادایم کمی که کنترل شده و مصنوعی است؛ در پارادایم کیفی، طبیعی و آزاد است؛ جزمیت علمی، در اعلام نتایج این تحقیق جایگاهی ندارد و تحقیق نسبی و منعطف است؛ قلمروی معنایی تحقیق باز و مبتنی بر تفسیر است نه بسته و محدود؛ و نهایت آنکه نتیجه پژوهش، عمدتاً کیفی می‌باشد و به سادگی قابل تبدیل به مقادیر، اعداد و کمیت‌های قابل اندازه‌گیری نخواهند بود. (گروت و وانگ، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱؛ ساروخانی، ۱۳۸۳؛ علی احمدی و غفاریان، ۱۳۸۲).

محیط تحقیق: محیط تحقیق به معنای شرایطی است که پژوهشگر، مطالعه تحقیقی خود را در محدوده آن انجام خواهد داد که شامل مشخص کردن مکان و زمان تحقیق و افرادی که در آن شرکت خواهند داشت می‌شود (هالیدی، ۲۰۰۲، ص ۳۸). تأکید می‌کند که دستیابی به محیط مطلوب تحقیق کیفی را در گرو تحقق پنج معیار می‌داند. (جدول ۱)

1 Research setting

2 Halliday

جدول (۱): ویژگی‌های محیط پژوهش (نگارنده).

شرایط پژوهش حاضر در	ویژگی‌های محیط مناسب پژوهش کیفی	
	معیار	جزئیات
تنها مرز فرهنگی روشن محیط	دارای حد و مرز بودن	زمان، مکان، فرهنگ
اطلاعات دقیقی در دست نیست.	تنوع داده‌های در محیط	افراد، اسناد، تصاویر و ابزار
اطلاعات دقیقی در دست نیست.	غنای محیط	جهان کوچکی که جامعه وسیع‌تر را تمثیل می‌کند.
جامعه آماری اولیه بسیار وسیع است.	کوچک بودن محیط	از نظر منطقی قابل کنترل باشد.
اطلاعات دقیقی در دست نیست.	قابلیت دسترسی به محیط	گردآوری اطلاعات به شیوه‌های مختلف ممکن باشد.

محیط پژوهش در ابتدای شکل‌گیری تحقیق حاضر با چالش‌های جدی روبروست. مهم‌ترین مشکل، در اختیار نداشتن اطلاعات کافی از جامعه آماری معماران سنتی معاصر است. این مسئله تا حدی است که حتی یک فهرست اولیه کامل از نام اساتید معمار کشور در هیچ منبع مکتوبی وجود ندارد. اطلاعات عمیق‌تر در این زمینه شامل زندگینامه، آثار، همکاران و تجارب آنها با کاستی‌های جدی‌تری روبروست و اندک منابع نوشتاری موجود، در بسیاری از موارد از درجه اعتبار لازم برخوردار نیستند. بنابراین در آغاز، نمی‌توان مرز مکانی مشخصی برای پژوهش در نظر گرفت. این مشکل موجب می‌شود که دستیابی به محیطی که دو مولفه «کوچکی» و «غنا» را داشته باشد، نیز به سادگی ممکن نباشد. از سوی دیگر، در اختیار نداشتن اطلاعات کلی و پیش فرض‌های اولیه در خصوص معماران سنتی معاصر ایران موجب می‌شود که ملاکی برای انتخاب اساتید معماری که تأمین‌کننده داده‌های مورد نیاز تحقیق باشند وجود نداشته باشد.

به بیان دیگر، در ابتدای تحقیق، مشخص نیست کدام یک از معماران، داشته‌های مورد نظر در خصوص طراحی را در سینه دارند؛ معلوم نیست که هر یک تا چه حدی به جهان سنتی معماری تعلق دارند و یا تا چه میزان از معماری امروز متأثر هستند. همچنین شرایط شخصی و روحیات

فردی هیچ یک از معماران نیز روشن نیست؛ مشخص نیست که کدام یک از معماران، پذیرای همکاری با فرایند این تحقیق خواهند بود و از درگیر شدن با مصاحبه‌های طولانی و متوالی اجتناب نخواهند کرد؛ معلوم نیست که با توجه به کهولت سن این اساتید آیا میزان سلامتی هر یک به نحوی هست که بتوانند با پژوهشگر در مسیر تحقیق همراه شوند؛ روشن نیست که سطح سواد این افراد تا چه حد می‌تواند زمینه ارتباطی موثر را فراهم سازد. با این توصیف، محیط و جامعه آماری تحقیق، به هیچ وجه شرایط لازم برای آغاز کار را ندارد. حجم بالای نمونه‌ها، وسعت جامعه آماری و مجهول بودن ابعاد مختلف آن در ابتدای تحقیق، با مبانی و روش نمونه‌گیری در تحقیق کیفی و نظریه زمینه‌ای تناسب نداشته و باید در اولین مرحله رفع گردد. این ویژگی‌های و شرایط موجب می‌شود که در این تحقیق، روش نوینی برای گردآوری داده‌ها طراحی شود که در ادامه، در دو مرحله نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها معرفی می‌شود.

۳ - روش نمونه‌گیری

چنانچه ذکر شد، در تحقیق حاضر در مرحله اول، امکان چنین نمونه‌گیری وجود نداشت. لذا به منظور پیشبرد اهداف تحقیق، ساختاری جهت نمونه‌گیری از جامعه آماری در سه لایه طراحی شد.

۱ - ۳ - لایه نخست: نمونه‌گیری آسان و زنجیره‌ای

از آنجا که منابع نوشتاری بسیار محدودی در زمینه جامعه معماران سنتی معاصر ایران وجود دارد، لازم بود، ابتدا تصویری کلی از این اساتید به دست آید و پیشینه و آثار آنها به صورت آماری مرور شود. بدین منظور لایه نخست نمونه‌گیری طراحی شد. در این لایه، چهار جامعه آماری گسترده از معماران سنتی معاصر در دو گام انتخاب شدند. گام اول، مبتنی بر روش «نمونه‌گیری آسان» پاتون (۱۹۹۰) به نقل از (حریری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳-۱۳۵) و با اتکا بر یافته‌های حاصل از پژوهش‌های کتابخانه‌ای پیشین بود. با توجه به آنکه بیشتر این مطالعات، با محوریت معرفی معماران تهران، کاشان، قم (پورنادری، ۱۳۷۹)، (شعرباف، ۱۳۸۵)، (مفید و رئیس‌زاده، ۱۳۸۴)، (مختاری طالقانی، ۱۳۹۰)، (بانی مسعود، ۱۳۸۹) و اصفهان (سجادی نایینی، ۱۳۸۷)، یزد (اولیاء، ۱۳۸۵)، (اولیا و قدیری، ۱۳۷۲) انجام شده بود، چهار جامعه آماری شامل معماران «تهران-کاشان-قم»، «اصفهان»، «یزد» و گروهی ترکیبی از «دیگر شهرها» برای نمونه‌گیری انتخاب شدند.

از مطالعه منابع نوشتاری موجود، فهرستی اولیه از معماران سنتی معاصر با محوریت شهرهای برشمرده حاصل شد. سپس، در گام بعدی، از جامعه آماری به دست آمده با روش

نمونه‌گیری «گلوله برفی»، توسعه و گسترش یافت. بدین ترتیب، نمونه‌گیری گلوله برفی، از طریق پرسش از کارشناسان حوزه معماری ایرانی و مرمت بناهای تاریخی و همچنین از طریق پرسش از اساتید ثبت شده در مرحله نخست انجام شد. صاحب‌نظران مصاحبه شده شامل دکتر اکبر زرگر (۱۳۹۱/۸/۲۱)، مهندس حسین آقاجانی (۱۳۹۱/۵/۲۲)، دکتر عبدالله جبل‌عاملی (۱۳۹۱/۴/۱۳)، مهندس حسین رایتی‌مقدم (۱۳۹۱/۵/۴) (۱۳۹۱/۶/۷)، دکتر اباذری (۱۳۹۱/۵/۲۰)، دکتر فرهاد تهرانی (۱۳۹۱/۵/۵) و دکتر محمدرضا اولیاء (۱۳۹۲/۳/۱۲) می‌باشند. این دو گام، فهرستی ۵۶ نفره از اسامی اساتید معمار متعلق به چهار جامعه معماری فهرست شده را شکل داد که امکان گردآوری اولین لایه از اطلاعات پژوهش را فراهم کرد.

۲-۳. لایه دوم: نمونه‌گیری نظری با هدف تعیین گستره تحقیق^۳

پس از شناخت گروهی از جامعه معماران سنتی معاصر و بررسی پیشینه و تجارب حرفه‌ای آنان، لایه دوم نمونه‌گیری، با هدف دستیابی به جامعه آماری محدودتر و کم حجم‌تر طراحی شد. این نمونه‌گیری، با استفاده از مفهوم «نمونه‌گیری نظری» (گلیسر و استراوس؛ ۱۹۶۷) انجام شد. «نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرآیند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی که از این طریق تحلیلگر به طور هم‌زمان داده‌هایش را گردآوری، رمزگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری کند تا بدین وسیله نظریه‌اش را درحین شکل‌گیری تدوین کند. بدین ترتیب، نظریه در حال تدوین، گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند.» (همان، ص ۴۵). وجوه تمایز نمونه‌گیری نظری و آماری در جدول ۲ معرفی شده است (فلیک، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱).

1 Snowball or Chain sampling

۲- نمونه‌گیری «گلوله برفی یا زنجیره‌ای» روشی است که طی آن شرکت‌کنندگانی که به نحوی با یکدیگر پیوند دارند، به طور تدریجی انتخاب می‌شوند و پژوهشگر را به دیگر افراد جامعه راهنمایی می‌کنند (حریری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵).

3 Theoretical sampling

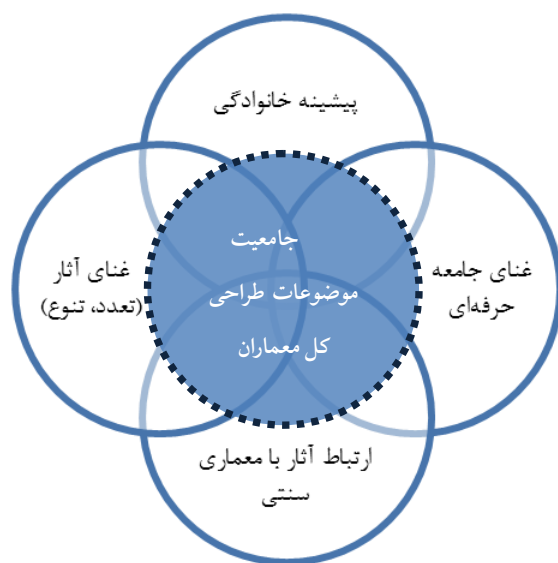
4 Glaser & Strauss

جدول (۲): مقایسه نمونه‌گیری نظری و آماری (نگارنده)

مؤلفه‌ها	نمونه‌گیری نظری	نمونه‌گیری آماری
گستره نمونه‌گیری	از پیش مشخص نیست.	از پیش مشخص است.
ویژگی نمونه‌گیری	از پیش شناخته شده نیست.	از پیش شناخته شده است.
دفعات و طرح نمونه‌گیری	انتخاب چندباره مؤلفه‌های نمونه براساس معیاری که هر مرحله دوباره تعریف می‌شود	انتخاب یک بار برای همیشه نمونه براساس یک طرح از پیش تعیین شده
حجم نمونه‌گیری	از پیش تعریف نشده است.	از پیش تعریف شده است.
پایان نمونه‌گیری	با حصول اشباع نظری	پس از مطالعه تمامی نمونه‌ها

براین اساس در نمونه‌گیری نظری، جامعه آماری براساس ارتباط نمونه با موضوع تحقیق انتخاب می‌شود و نمونه‌گیری به منظور تشکیل یک نمونه نمایا (آماري) از کل جمعیت نیست (همان، ص ۱۰۸). به بیان دیگر، «نمایا بودن نمونه از طریق تصادفی بودن با سهمیه‌بندی تضمین نمی‌شود. بلکه نمونه‌ها براساس میزان روشنائی بخشی برای نظریه در حال تدوین انتخاب می‌شود.... بنابراین گروه‌ها باید براساس معیارهای نظری انتخاب شوند.» (گلیسر و استراوس، ۱۹۶۷، ص ۴۷).

بدین ترتیب جهت انجام نمونه‌گیری در لایه دوم، پنج معیار اصلی از داده‌های به دست آمده از نمونه‌گیری مرحله اول و مطالعات کتابخانه‌ای استخراج شد. انتخاب معیار «غنای پیشینه خانوادگی» موجب شد که معمارانی که حرفه معماری در خانواده آنها سابقه برجسته‌تری دارد انتخاب شوند. به علاوه، این معیار موجب شد که هر معمار به عنوان نماینده‌ای از یک فرهنگ معماری خانوادگی مورد مطالعه و مصاحبه قرار گیرد و اندیشه‌ها، خاطرات و گفته‌های وی در ظرف طبیعی سازنده آن بررسی شود. دو معیار دیگر شامل، برخورداری هم‌زمان از آثار متعدد، متنوع و



نمودار ۱. معیارهای نمونه‌گیری در لایه دوم (نگارنده)

مرتبط با هنجارهای معماری سنتی زمینه‌ساز انتخاب معمارانی می‌شد که پیوند بیشتری با جهان معماری سنتی دارند. با در نظر گرفتن این معیارها، اولویت نمونه‌گیری با معمارانی بود که چه لحاظ نوع کاربری بناها، چه از منظر فناوری‌های ساختمانی و روش‌های اجرا و چه به لحاظ طرح معماری به نظام سنتی معماری ایران وفادارتر بوده‌اند. معیار آخر، میزان اتصال معمار با جامعه

اساتید بنام معماری و حضور در شبکه استاد و شاگردی بود. به علاوه به عنوان عامل پنجم، توجه شد که معماران انتخابی در کنار هم، حوزه‌های متنوعی از طراحی در معماری سنتی معاصر را پوشش دهند!

۱- لازم به تأکید است که نتایج نمونه‌گیری نهایی، به هیچ وجه به معنای اثبات تفاوت‌های معنادار میان معماران منتخب با دیگر معماران نیست. چه اینکه، براساس روش نمونه‌گیری نظری، در این پژوهش اولین گزینه‌های مطلوب انتخاب شده و نمونه‌گیری از آنها انجام شده است و مجال برای پرداختن به دیگر نمونه‌ها نبوده است. به علاوه، ترازبندی معماران سنتی نیازمند اشراف بر جهان نظری و عملی (کرد و کشش) معماری ایرانی است که خارج از بضاعت این پژوهشگر است.

با پیشرفت پژوهش، بررسی نمونه‌های جدید در مرحله دوم، به صورت چرخه‌ای ادامه می‌یابد. گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه دارد که عناصر اساسی مطالعه به حد اشباع برساند. یعنی تا زمانی که افزودن افراد، نمونه دیگر چیزی به داده‌ها اضافه نکند و یا آن چه که مطرح می‌کنند، در تضاد با دانسته‌های گردآوری شده نباشد. (حریری، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰). براین اساس، در فرآیند گردآوری و تحلیل اطلاعات و به صورت تدریجی، ۵ خانواده معمار سنتی از میان جامعه آماری نخست انتخاب شدند و گردآوری اطلاعات عمیق‌تر از آنها انجام شد. این نمونه‌های برگزیده شامل خانواده‌های رضایت، فرزانه‌ای محمدی، عشق‌آبادی، شعرباف و پاک‌نژاد می‌باشند که در مجموع ۱۴ معمار سنتی را در خود جای داده‌اند (جدول ۳).

جدول (۳): جدول نمونه‌گیری برای دومین لایه نمونه‌گیری (نگارنده)

ردیف	خانواده برگزیده	معماران	اعضای وابسته
۱	خانواده رضایت	استاد محمد علی رضایت، استاد نعمت‌الله رضایت، استاد رحمت‌الله رضایت	رضایت
۲	خانواده فرزانه‌ای محمدی	استاد غلامرضا فرزانه، استاد محمد سلطانی، استاد حسین معمار سلطانی	
۳	خانواده عشق‌آبادی	استاد حیدر عشق‌آبادی، استاد رضا عشق‌آبادی، استاد محمد عشق‌آبادی	
۴	خانواده شعرباف	استاد عباس پیوند، استاد محمد شعرباف، استاد اصغر شعرباف	
۵	خانواده پاک‌نژاد	استاد محمد پاک‌نژاد، استاد مهدی پاک‌نژاد، استاد مرتضی پاک‌نژاد	

۳-۳ - لایه سوم: نمونه‌گیری نظری با هدف تعیین عمق پژوهش

نمونه‌گیری می‌تواند براساس دو استراتژی متفاوت انجام شود. فلیک اشاره می‌کند که تصمیم‌گیری در مورد نمونه‌ها همواره میان دو هدف «پوشش کامل دامنه میدان» و «مطالعه عمیق آن» در نوسان است. استراتژی نخست می‌کوشد موردهای مختلف میدان را با تمامی گوناگونی‌اش بازنمایی کند - این استراتژی در لایه دوم نمونه‌گیری تحقیق محقق شد - اما استراتژی دوم، در مقابل در پی رسوخ در میدان از طریق تمرکز بر نمونه‌های منفرد یا بخش خاصی از آن است (فلیک، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵).

وی تأکید می‌کند که به دلیل محدودیت منابع در پژوهش نباید این دو استراتژی را در یک پژوهش با هم ترکیب کرد. با وجود این، در پژوهش حاضر جریان مفهومی و فرایند کار، انجام نمونه‌گیری در ژرفایی بیشتر

را طلب می‌کرد. لذا جهت دستیابی به لایه عمیق‌تری از داده‌ها، لایه سوم نمونه‌گیری طراحی و اجرا شدند. بر اساس این، پس از گردآوری اطلاعات از نمونه‌های تعریف شده در لایه دوم، بخش‌هایی از داده‌های مربوط به هر معمار که زمینه ژرف‌کاوی بیشتر برای فهم جهان طراحی معماری داشت انتخاب شد. برای این کار، آثار هر یک از خانواده‌های معماران سنتی منتخب بررسی شد و در این میان، بناهای غنی‌تر از طریق نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند؛ این آثار شامل مواردی می‌شدند که هم در ذات خود حاوی اطلاعات ارزشمندتر بودند و هم دریافت اطلاعات بیشتر از آنها، به لحاظ اجرایی عملی بود. بدین ترتیب لایه سوم نمونه‌ها شکل گرفت. این لایه، شامل بسته‌هایی از داده‌های میدانی بود که از پیوند و تعامل دو مرجع اطلاعاتی مکمل حاصل می‌شد. شیوه نمونه‌گیری استفاده شده در لایه سوم، مختص این پژوهش بوده و نمونه‌گیری «اثر- موثر» یا به عبارتی دقیق‌تر، «معمار- معماری» نام می‌گیرد. جدول ۴ فهرست نمونه‌های مرحله سوم را معرفی می‌کند.

جدول (۴): سومین لایه نمونه‌گیری (نگارنده)

نام نمونه (معمار- معماری)	موضوع طراحی
۱ پاک‌نژاد- تاق چشمه‌های بازار بزرگ اصفهان	تاق و چشمه
۲ پاک‌نژاد- تاق رسمی آتلیه یک در ساختمان توحیدخانه دانشگاه هنر اصفهان	رسمی
۳ نعمت‌اله رضایت- مقرنس مناره مسجد صاحب‌الزمان سپاهان شهر، اصفهان	مقرنس (پتکانه)
۴ نعمت‌اله رضایت- رسمی نیم‌کار مسجد امیرالمؤمنین، قلعه سفید، اصفهان	رسمی
۵ نعمت‌اله رضایت- تاق چشمه‌های مسجد جامع اصفهان	تاق و چشمه
۶ رحمت‌اله رضایت- پوشش رسمی تالار تیموری اصفهان	رسمی و یزدی بندی
۷ اصغر شعرباف- روش طراحی رسمی	رسمی
۸ اصغر شعرباف- روش طراحی مقرنس	مقرنس

گردآوری اطلاعات

در ادامه شیوه‌های گردآوری اطلاعات، متناسب با نظام نمونه‌گیری طراحی شدند. شیوه انتخابی برای هر لایه از نمونه‌گیری، با هدف، پرسش و نوع نمونه‌گیری آن لایه هماهنگ است. در ادامه روش گردآوری اطلاعات در هر یک از سطوح نمونه‌گیری معرفی می‌شود.

۴ - ۳ - گردآوری در لایه نخست نمونه‌ها: مصاحبه نیمه ساختارمند

پرسش اصلی در این لایه، شناخت پیشینه خانوادگی، تجارب حرفه‌ای و زمینه تخصصی هر یک از معماران در جامعه آماری بود. دستیابی به چنین شناختی، زمینه‌گزینش مجموعه کوچکتری از معماران را برای کاوش در خصوص پرسش اصلی پژوهش فراهم می‌کرد. تعداد بالای نمونه‌ها در این مرحله ایجاب می‌کرد که اطلاعات مورد نظر از روش‌هایی بسته، مشخص، سریع و ساده چون پرسشنامه یا مصاحبه بسته (طراحی شده) گردآوری شوند. اما به دلیل ماهیت استنباطی تحقیق و تنوع و نسبی بودن پاسخ افراد مختلف، امکان طراحی پرسش‌های محدود و مشخص وجود نداشت.

همچنین با توجه به محدودیت‌ها و مشکلاتی که اساتید معمار برای خواندن، نوشتن و به‌طور کلی برای ارائه اطلاعات مکتوب و پاسخ به پرسش‌های بسته داشتند، امکان تهیه یک طرح از پیش تعیین شده برای گردآوری اطلاعات وجود نداشت. بنابراین، اطلاعات به وسیله ابزاری با درجه آزادی بیشتر گردآوری شدند. در میان روش‌های موجود برای برگزاری مصاحبه، این مصاحبه‌ها به شیوه «نیمه ساختارمند» (فلیک، ۱۳۸۸، ص ۱۶۵) برگزار شد.

این روش گردآوری، تناسب بسیار بالایی با فرآیند و پرسش پژوهش در مرحله نخست داشت. برخلاف مصاحبه بسته که با حاکمیت مطلق مصاحبه‌گر، رابطه‌ای یک سویه را در فرآیند گردآوری شکل می‌دهد؛ مصاحبه نیمه ساختار یافته، به خوبی می‌تواند آزادی بیانی لازم را برای مصاحبه‌شوندگان فراهم کند. بنابراین این نوع مصاحبه، «در عین تمرکز بر موضوع پژوهش، با دارا بودن انعطاف پذیری لازم، به مصاحبه‌شوندگان امکان می‌دهد به جنبه‌هایی از موضوع بپردازند که از دیدگاه آنها دارای اهمیت است» (حریری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱).^۲

(این مصاحبه، مصاحبه نیمه طراحی شده و نیمه ساختار یافته نیز نام گرفته است) 1 Semi structured interview

۲- فلیک (۱۳۸۸) انواع مختلف مصاحبه‌های نیمه طراحی شده را با ذکر برخی جزئیات مطرح می‌کند. این مصاحبه‌ها شامل مصاحبه متمرکز، نیمه استاندارد شده، مصاحبه مسئله مدار، مصاحبه خبره و مصاحبه قوم نگاشتی است.

بدین ترتیب، یکی از اهداف اصلی این پژوهش مبنی بر توجه به بخش صامت معماری ایران محقق شد. از سوی دیگر، برخورداری از ساختاری کلی در این روش اجازه می‌داد که مسیر مصاحبه از حوزه اصلی خود خارج نشود و یک چهارچوبی مفهومی برای هدایت مصاحبه وجود داشته باشد. این امر موضوعی بود که به‌طور خاص درخصوص مصاحبه با معماران سنتی اهمیت مضاعف داشت؛ زیرا این افراد، تمایل زیادی برای گفتن از خاطرات شخصی، درد دل‌ها و دل‌مشغولی‌های خود داشتند که در صورت عدم هدایت مصاحبه، موضوع و محتوای گفتگوها به‌کلی تغییر می‌کرد. بنابراین چنانچه فلیک (۱۳۸۸، ص ۱۶۶) توصیه می‌کند، این مصاحبه‌ها نه مانند مصاحبه بسته با ارائه پرسش‌هایی معین شکل گرفت و نه بدون داشتن هیچ چهارچوبی برگزار شد. بلکه محتوای مصاحبه از طریق طراحی برگه «راهنمای مصاحبه» تعیین شد. «این برگه، صرفاً مشخص‌کننده موضوع‌هایی است که مصاحبه، آنها را پوشش خواهد داد و مصاحبه‌گر، الزامی به رعایت ترتیب خاصی در طرح پرسش‌ها بر طبق برگه راهنمای مصاحبه ندارد. مصاحبه‌گر همچنین می‌تواند علاوه بر آنچه در برگه راهنمای مصاحبه طرح شده، با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌شونده، پرسش‌های دیگری نیز مطرح و یا به تفحص بیشتر در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان بپردازد.» (حریری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰).

بدین ترتیب، برگه راهنمای مصاحبه این پژوهش، پرسش‌هایی شامل مواردی چون پیشینه معماری در خانواده، نحوه و دلیل انتخاب حرفه معماری، معرفی مهمترین تجربه‌های کاری و شرح نقش و جایگاه خود در هر کار، معرفی اساتید، همکاران و جامعه حرفه‌ای و معرفی کارهای را در خود جای دادند. پس از گردآوری اطلاعات از جامعه آماری هدف، داده‌های به دست آمده، خلاصه شد و در جداول استناداری پیاده گردید. بدین صورت در پایان نخستین لایه از گردآوری، اطلاعات مقدماتی مربوط به ۵۶ معمار سنتی معاصر ثبت گردید که زمینه انتخاب جامعه آماری محدودتر و گزیده‌تری را فراهم کرد.

۵- ۳- گردآوری در لایه دوم نمونه‌ها: تاریخ شفاهی

هدف از گردآوری اطلاعات در لایه دوم پژوهش، دستیابی به شناختی عمیق‌تر از جهان طراحی معماران سنتی بود که در جامعه آماری محدود و برگزیده‌ای انجام می‌شد. از این‌رو در این مرحله، نیاز بود که مواجهه با معماران در چهارچوبی کاملاً باز و منعطف انجام شود. این موضوع هم شامل نوع پرسش‌ها و هم ساختار ترکیب پرسش‌ها می‌شد. هرچند روش «مصاحبه عمیق»، چنین ابزاری را برای گردآوری اطلاعات در اختیار پژوهشگر می‌داد؛ اما دیگر ویژگی‌های پژوهش موجب شد که روشی جامع‌تر برای این لایه از تحقیق استفاده شود. در واقع، تحقیق در لایه دوم، به «کشف یک سلسله از منابع انسانی و مردمی می‌پرداخت که فاقد تاریخ (به معنی پیشینه‌های مستند معمولی) هستند.» (فینگان، ۱۹۹۲ به نقل از حریری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸). همچنین، این لایه، شکلی از پژوهش تاریخی بود که اطلاعاتی را با استفاده از اظهارات شرکت‌کنندگانی که دارای تجارب دست اول هستند و در گذشته نزدیک واقع شده است مورد پژوهش قرار می‌داد. این مولفه‌ها در لایه دوم تحقیق، بیش از هر روش دیگری، با روش «تاریخ شفاهی» تناسب و سنخیت داشت.

تعریف تاریخ شفاهی با گستردگی معنایی بالایی روبروست. عده‌ای از آن به عنوان یک رویکرد برای گردآوری اطلاعات تاریخی یاد می‌کنند و گروهی دیگر، آن را یک رشته علمی مستقل از رشته تاریخ می‌شمارند. حسن‌آبادی (۱۳۸۷، ص ۲۴) در توصیفی جامع به شش ویژگی برای تاریخ شفاهی اشاره می‌کند. وی آن را علمی چند وجهی می‌داند که موضوع آن گفتگوی آگاهانه درباره گذشته است؛ خاطرات شخصی و جمعی تمامی گروه‌های سنی را دربر می‌گیرد و راهی برای درگیر کردن تمام افراد جامعه برای ساختن تاریخ خودشان فراهم می‌آورد. ویژگی مردمی بودن این روش، توسط دیگر پژوهشگران نیز تصریح شده است.

فریچ^۱ این ویژگی را چنین تشریح می‌کند: تاریخ شفاهی، با وارد کردن مردمی که قبلاً در خلق اسناد گذشته‌شان مشارکتی نداشته‌اند، به آنها اجازه می‌دهد که مفاهیم‌شان از تجربیات گذشته را در روشی ساختاربندی شده بیان کنند و بدین ترتیب، فرصتی برای دموکراتیک کردن طبیعت تاریخ

1 Oral history

۲- برای اطلاعات بیشتر در این خصوص: ر.ک. (هاشمی، ۱۳۹۳، ص ۳۱-۳۳).

3- Frisch

فراهم می‌آورد (فریج، ۱۹۹۰، ص ۱۸۸). این ویژگی، نگاهی از پایین به بالا را در پژوهش تاریخی^۱ شکل می‌دهد که چشم‌اندازی متفاوت را برای پژوهش تاریخی ایجاد می‌کند.

آنچه تاریخ شفاهی را از دیگر انواع گفتگو و مصاحبه متمایز می‌کند، آن است که این روش تنها به بخشی از تاریخ گذشته که خاطره آن نزد فرد مصاحبه‌شونده باقی مانده است (معمولاً وقایعی با عمر کمتر از ۹۰ سال) مربوط می‌شود. همچنین، در این روش خاطراتی به عنوان تاریخ شفاهی محسوب می‌شوند که حاصل تجربه خود شخص گوینده به عنوان عامل یا شاهد باشد و تکرار معلومات پیشینیان، از ارزش یک داده تاریخی برخوردار نیست (هاشمی، ۱۳۹۳). چنین است که «مواجهه با اظهارات و مدارک شفاهی، می‌تواند حس زنده‌ای از شرایط و فضای موجود در زمان مورد نظر را منتقل کند که منابع نوشتاری قادر به انتقال آن نیستند» (حریری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹). از آنجا که این ویژگی‌ها موجب پیچیدگی، گستردگی و عمق اطلاعات در پژوهش‌های تاریخ شفاهی می‌شوند، معمولاً از این روش برای مطالعه جامعه‌های آماری بسیار کوچک و گاه یک نفره استفاده می‌شود. بدین ترتیب وجود خصیصه «مردمی بودن» (در مقابل حکومتی بودن)، در کنار «استفاده از خاطرات فردی» (به جای استفاده از منابع تاریخی) و نیز «مواجهه با منابع زنده و فعال» (در عوض استفاده از منابع مکتوب و تصویری ایستا) در تاریخ شفاهی موجب می‌شود که این روش دستاوردهای متفاوتی به همراه داشته باشد.

«یافتن شواهد جدید از وقایع گذشته» یکی از مهم‌ترین این دستاوردهاست. این مزیت می‌تواند در قالب شناخت «وقایع نو» و یا «جنبه‌های نو از وقایع شناخته شده» محقق شود (هاشمی، ۱۳۹۳). این مزیت موجب ثبت و ضبط بخشی از اطلاعات تاریخی می‌گردد که رو به نابودی است و در پژوهش‌های معمول تاریخی مغفول مانده‌اند. از این منظر، «برخی تاریخ شفاهی را تنها راه پرداختن به تمام جوانب وقایع تاریخی می‌دانند، زیرا که در آن انسانی در اختیار محقق است که می‌توان تمامی اخبار واقعه را از همه جهات نزد وی جست (تامپسون، ۱۹۸۲، ص ۴۸).

4 Bottom up History

۲- برای نمونه فیگا (۲۰۰۲) در پایان نامه دکتری خود، با استفاده از تاریخ شفاهی تنها به بررسی فعالیت‌های یک نفر، جین آنتس عضو برجسته حرفه کتابداری، پرداخته است. وی در قالب یک مطالعه موردی به بررسی و ادراک تاریخی و قوم‌شناختی زندگی و فعالیت‌های جین آنتس پرداخت. او در این پژوهش، ضمن مطالعه تاریخ اولین برنامه کتابداری پزشکی سیار روستایی؛ شیوه‌های کار و فرهنگ خدمات جدید ارایه شده را که تشکیل دهنده یک نظام اطلاع‌رسانی پویا بود، مورد بررسی قرار داد (حریری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹ و ۱۳۰).

3 Thompson

مزیت دیگر در تاریخ شفاهی، «یافتن تفسیرهای جدید از وقایع گذشته» است. این دستاورد موجب می‌شود که فاصله بین تاریخ حقیقی و برداشت مورخ، از طریق نقش‌آفرینی شاهدان و حاضران تاریخی برداشته شود. همچنین از این منظر، تاریخ شفاهی به پژوهشگر کمک می‌کند که با شنیدن افعال مصاحبه‌شونده، به دنیای افکار وی نقب بزند. این امر، که دست یافتن به ذهنیت راوی خوانده می‌شود که مهم‌ترین امتیازات و امکانات تاریخ شفاهی است؛ امکانی که به‌صورت بالقوه در هیچ‌یک از روش‌های دیگر تاریخی وجود ندارد (پروتلی،^۳ ۱۹۹۱، ص ۶۷؛ هاشمی، ۱۳۹۳، ص ۴۸-۶۲). ویژگی‌ها و دستاوردهای حاصل کاربرد تاریخ شفاهی در پژوهش حاضر در جدول ۵ معرفی شده است.

۱- هرچند که با رشد و توسعه تاریخ شفاهی، چه در مقیاس جهانی و چه ملی، در سال‌های بعد رویکرد آن تغییر کرد و بر مطالعه افراد سرشناس تمرکز کرد.

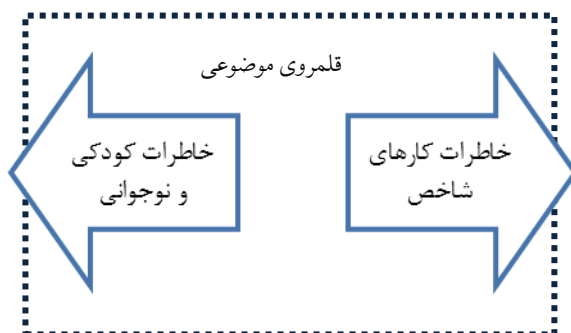
2 Speaker's Subjectivity

3 Protelli

جدول (۵): ویژگی‌ها و دستاوردهای کاربرد تاریخ شفاهی در پژوهش حاضر (نگارنده)

ویژگی‌ها و دستاوردهای حاصل کاربرد تاریخ شفاهی در پژوهش حاضر	دستاوردها در تاریخ شفاهی
معماران سنتی یکی از حلقه‌های مفقوده در مطالعات معماری تاریخی ایران هستند. به جای مطالعه بنا، منابع تاریخی نوشتاری و یا تفسیرهای دست دوم، در این پژوهش، این افراد را به مثابه سازندگان موثر بنا به عنوان مراجع اصلی تحقیق استفاده می‌شوند.	شناخت مراجع تازه
شناخت از پایین به بالا (مردمی بودن) موجب می‌شود که پژوهشگر به جای مراجعه به قضاوت‌های از پیش تعیین شده و نظریه‌های کلی حاکم بر معماری، با مراجعه به سازندگان و مرمت‌گران گمنام بناها، وقایعی نو را درک کند.	شناخت وقایع تازه
با استفاده از روایت فردی به جای روایت‌های عمومی رایج، پژوهشگر به جای پرداختن به روایت‌های رسمی، جهان طراحی را از خلال روایت‌های فردی واکاوی می‌کند. این امر منجر به شناخت جنبه‌هایی نو از امر طراحی می‌شود.	شناخت جنبه‌های نو از وقایع شناخته شده
دوسویه بودن فرایند گردآوری اطلاعات موجب می‌شود که پژوهشگر بتواند با شنیدن مفاهیم معنادار، به پرسش‌های بیشتر بپردازد و از این طریق بر عمق موضوع بیفزاید. پرسش از چگونگی شکل‌گیری یک طرح، چگونگی انتخاب روش‌های اجرا و ساخت‌مایه‌ها نمونه‌هایی از این نوع هستند.	شناخت اندیشه نهان در پس وقایع
برخلاف بسیاری از داده‌های تاریخی، که ماهیتی ایستا و محبوس در زمان دارند، ابزار مصاحبه اجازه می‌دهد که پژوهشگر طی فرآیندی زنده، جهان طراحی را در خلال خاطرات معماران سنتی درک کند.	دستیابی به ذهنیت راوی (مصاحبه‌شونده)

با استفاده از روش تاریخ شفاهی، چندین مصاحبه از معماران انتخاب شده گرفته شد. در این مصاحبه‌ها، از معماران خواسته شد که خاطرات مربوط به تجربه‌های کاری خود را از نخستین

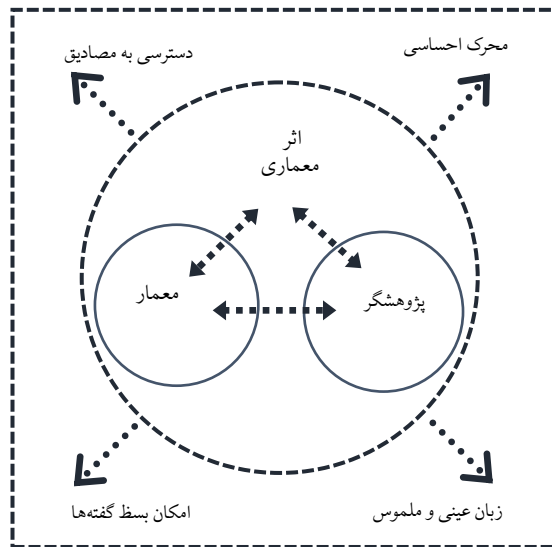


نمودار (۲): قلمروی موضوعی پرسش‌ها در تاریخ شفاهی (نگارنده)

تجربه‌ها، تا کارهای بعدی شرح دهند. یکی از تکنیک‌های اصلی در این مصاحبه‌ها، بازگویی خاطرات دوران کودکی و نوجوانی بود. این امر امکان دستیابی به دو محور ارزشمند را فراهم می‌کرد. از یک سو، خاطرات سال‌های نخستین، پژوهشگر را به تجربیات اساتید و همکاران نسل گذشته پیوند

می‌زد و از این طریق، داده‌هایی که سنخیت بیشتری با معماری سنتی در دوران پیش از تجدد داشت را ارائه می‌نمود.

از سوی دیگر، با این روش، معمار نخستین تجربه‌ها و آموزه‌های طراحی خویش را معرفی می‌کرد و بدین‌وسیله از گام‌های ابتدایی فراگیری طراحی - که اهمیت بسیاری بالایی در این پژوهش داشتند - پرده بر می‌داشت. تکنیک دیگر، صحبت پیرامون کارهای شاخص و برجسته معماران بود. این تکنیک موجب می‌شد که معیارهای معمار برای یک کار برجسته تا حدود زیادی مشخص شود. به علاوه، در این تجربیات معمولاً به دلیل آنکه کار در شرایطی متفاوت از شرایط معمول تعریف شده بود، شکل‌گیری ایده و موضوع طراحی از جایگاه برجسته‌تری برخوردار بود. این امر دستمایه ارزشمندی را برای ورود به جهان طراحی معمار فراهم می‌کرد. بر اساس این، پرسش‌ها در روش تاریخ شفاهی، بر دو آستانه طراحی تأکید داشت که در نقطه مقابل هم قرار داشتند. آستانه آغازین، مربوط به نخستین ایام فراگیری و آستانه پایانی، مربوط به ایام بلوغ فراگیری معماری بود. البته لازم به تأکید است که برخلاف، روش گردآوری در لایه قبلی، در این لایه مصاحبه بدون اتکا بر راهنمای مصاحبه و بر اساس جریان سیال گفته‌های معماران پیش می‌رفت.



نمودار (۳): گردآوری اطلاعات در لایه سوم به روش معمار-معماری و مزایای آن (نگارنده)

۵ - ۳ - گردآوری در لایه سوم

نمونه‌ها: ترکیب مصاحبه عمیق نزد اثر، مشاهده و یادداشت نگاری

لایه دوم پژوهش، اطلاعات جامعی را در خصوص جهان طراحی معماران منتخب ارائه کرد. گفته‌های آزاد معماران در ارتباط با خاطرات حرفه‌ای خویش، فضای ذهنی کلی که طراحی در آن شکل می‌گرفت را ترسیم و معرفی کرد. همچنین این داده‌ها، نشان داد که

کدام‌یک از آثار معماران، از جنبه‌های طراحانه قوی‌تری برخوردار است و می‌تواند زمینه

ژرف‌کاوی بیشتر برای فهم جهان طراحی معماری باشد. بر اساس این، در لایه سوم با تمرکز بر نمونه‌گیری از پوشش‌های طاقی طراحی شده معماران، فرآیندی جهت گردآوری داده‌هایی با عمق و اهمیت بیشتر طراحی شد.

در این روش، دو مرجع اطلاعاتی یعنی «معمار» و «معماری حاصل او» به یکدیگر پیوند خوردند تا در کنار هم به شناخت پرسش پژوهش کمک کنند. این نوع نمونه‌گیری که نمونه‌گیری «معمار-معماری» نام گرفت، چرخه‌ای پویا و غنی از تولید اطلاعات تازه را ایجاد کرد. جهت دریافت اطلاعات از نمونه‌ها، از سه ابزار گردآوری «مصاحبه عمیق نزد اثر»، «مشاهده» و «یادداشت نگاری» بهره گرفته شد. ساختار گردآوری اطلاعات مبتنی بر برگزاری مصاحبه‌های عمیقی بود که همراه با مشاهده میدانی در محل بناهای انتخاب شده و در کنار استاد معمار انجام می‌شد. این اطلاعات با استفاده از یادداشت نگاری‌های میدانی غنی‌تر می‌گردید. با استفاده از این روش، شرح آنچه در فرایند طراحی و ساخت روی داده بود، ساده‌تر و ملموس‌تر می‌شد.

به علاوه، حضور پژوهشگر و استاد معمار درون بنا، به طرز فوق العاده‌ای بر غنای مصاحبه می‌افزود. بنا برای معمار هم نقش یک محرک احساسی را داشت که موجب تداعی خاطرات و

رویدادهای گذشته می‌شد و هم به عنوان یک مرجع اطلاعاتی، نمونه‌ها و مصادیق مختلفی را در جلوی چشمان وی و مصاحبه‌گر قرار می‌داد. همچنین، حضور در محضر بنا، موجب می‌شد که استاد معمار - که معمولاً از فصاحت و قدرت بیانی بالایی برای توصیف مفاهیم انتزاعی برخوردار نیست - بتواند آنچه در ذهن دارد را به سادگی به پژوهشگر منتقل کند. در واقع، حضور در بنا، زبانی مشترک برای مفاهیم میان پژوهشگر و استاد معمار ایجاد می‌کرد؛ زبانی عینی و محسوس که از جنس عناصر کالبدی معماری بود. همچنین حضور در بنا، بستر مفهومی فراهم می‌کند که امکان بسط گفته‌های معماران را فراهم می‌سازد.

کانون تمرکز موضوعی این مصاحبه‌ها، فرایند شکل‌گیری یکی از آثار معمار بود. بر اساس این، راهنمای مصاحبه جهت انجام مصاحبه‌ها در دو بخش طراحی شد. بخش اول آن، مربوط به سئوالات کلی بود که در مصاحبه‌ها تکرار می‌شد. این سئوالات، پرسش‌هایی باز بودند که فرآیند شکل‌گیری اثر از اولین مراحل سفارش کار تا آخرین گام‌های اجرایی را جویا می‌شدند. در واقع این سئوالات، «داستان خلق اثر» را از زبان معمار جویا می‌شدند و ثبت می‌کردند. دسته دیگر، پرسش‌هایی بود که متناسب با درونمایه هر اثر، به طور مستقل برای آن طراحی می‌شد.

در لایه سوم، مشاهده به عنوان ابزاری مکمل به ساختار گردآوری داده‌ها افزوده شد. این مشاهدات، موجب می‌شد که پژوهشگر به موضوع پژوهش از منظری «درونی» بنگرد. ابزار مشاهده، برای مطالعه دو دسته از پدیده‌های موجود در میدان تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. دسته نخست، مشاهده «بناهای ساخته شده استاد معمار» بود که با هدف درک بهتر گفته‌های وی صورت گرفت. این کار با حضور در بنا و بازدید از فضاهای آن انجام شد. در فرآیند مشاهده تلاش می‌شد که ساختار هندسی، اشکال پایه، جزئیات اجرا و ارتباط طرح با عوامل زمینه‌ای در بنا بررسی و از طریق یادداشت‌برداری و عکاسی ثبت شود. بدین ترتیب این مشاهدات، مجموعه‌ای از داده‌های تازه میدانی را تولید می‌کرد که در فرایند مصاحبه از آنها استفاده می‌شد.

دسته دوم از پدیده‌های مشاهده شده، «فرایندهای کشش یا کرد» بودند. بسته به وضعیت کاری معماران و اینکه در زمان گردآوری اطلاعات، به چه کاری مشغول بوده‌اند، فرایند طراحی، یا ساخت و نصب پوشش‌ها که توسط استادکاران انجام می‌شد مشاهده و ثبت شد. این فرایندها، حاوی اطلاعات مترکم و غنی بود که می‌توانست بسیاری از گفته‌های پیشین اساتید را رمزگشایی کند و معنا بخشد. در مواردی که امکان انجام مصاحبه هم‌زمان بود، این فرایندها با پرسش و پاسخ‌هایی باز همراه می‌شد. مجموع مشاهده‌های مربوط به فرایندها و مصاحبه‌های هم‌زمان با

آنها، به‌وسیله دوربین فیلم‌برداری ثبت شد. همچنین توصیف کلی فرایندها و دریافت‌های حاصل از مشاهده آنها، پس از هر مصاحبه از طریق یادداشت نگاری ثبت گردید.

از منظر نقش مشارکتی پژوهشگر در مشاهده (فلیک، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷-۲۴۸) می‌توان دسته نخست مشاهدات را «مشاهدات غیر مشارکتی» و دسته دوم را «مشاهده مشارکتی» دانست. هر دو مشاهده «غیرساخت یافته» (همان، ص ۲۴۶) هستند و دریافت اطلاعات به جای برگه‌های پروتکل ساخت یافته، بر یادداشت‌های میدانی و ثبت دیداری-شنیداری داده‌ها متکی است.

سومین ابزار، یادداشت نگاری بود که به عنوان ابزاری مکمل در هر دو میدان مصاحبه و مشاهده استفاده می‌شد. با نگاهی کلی، در پژوهش حاضر از دو نوع یادداشت نگاری استفاده شد: یکی از آنها «یادداشت برداری مشاهداتی» بود که برای ثبت مشاهدات و رخدادها در محیط پژوهش، انجام شد. توصیف و ثبت بناهای مشاهده شده، فرآیندهای مربوط به کشش و کرد، محیط اجرای مصاحبه و ثبت تأکیدات مصاحبه‌شوندگان از نمونه‌های چنین یادداشت نگاری بودند. یادداشت برداری مشاهداتی ضمن آنکه جزئیات مصاحبه و مشاهده را ثبت و مستند کرد، به عنوان گاه‌شمار پژوهشی نیز کاربرد داشت. دیگری «یادداشت برداری انعکاسی» بود که برای ثبت بازتاب‌ها و بینش‌های حاصل از مشاهدات به کار رفت. از آنجا که پژوهش کیفی شامل فرایندی چرخه‌ای از گردآوری داده‌ها و تأمل در آنهاست، یادداشت برداری تحلیلی یا انعکاسی نیز امکان ثبت این تأملات را فراهم می‌کرد.

۴ - جمع‌بندی

بنا بر الزامات پژوهش‌های کیفی، در این تحقیق، از روش‌ها و ابزار متنوعی برای حضور در میدان و گردآوری داده‌ها استفاده شد. انتخاب و ترکیب این روش‌ها و ابزار، فرآیندی تدریجی بود که در نتیجه تعامل با زمینه تحقیق، بدون داشتن طرحی از پیش تعیین شده و براساس نیازهای پژوهشی، اقتضائات میدانی و خلاقیت‌های فردی شکل گرفت. بدین ترتیب، نظام مرکب سه لایه‌ای طراحی شد که در سه مرحله داده‌های میدانی را نمونه‌گیری و گردآوری می‌کرد. در هر لایه، به سازگاری و

1 Participant Observation

2 Non-participant Observation

3 Unsystematic observation

همسازی میان روش نمونه‌گیری و روش گردآوری داده‌ها توجه گردید. این امر موجب شد که در ساختار نهایی، با وجود تنوع و تکثر روش‌ها، وحدت معنایی مشخصی بروز یابد و روش‌های متنوع در یک چهارچوب مفهومی با یکدیگر یکپارچه شود. در این چهارچوب مفهومی، هر لایه جدید پژوهشگر را در جامعه آماری کوچک‌تر و در فاصله‌ای نزدیک‌تر نسبت به پرسش اصلی پژوهش قرار داد. با نزدیک‌تر شدن به موضوع پژوهش، درگیری پژوهشگر با میدان افزایش یافت؛ ارتباط فعال‌تر و موثرتری با زمینه برقرار شد؛ مصاحبه‌شونده آزادی عمل بیشتری یافت؛ بر انسجام و قدرت گفتگو میان پژوهشگر و استاد معمار افزوده شد و پیچیدگی و عمق داده‌ها افزایش یافت.

روش گردآوری	پرسش	هدف شناختی	روش	نمونه
مصاحبه عمیق در بنا، مشاهده، یادداشت نگاری	شناخت فنون، روشهای طراحی و ساخت پوشش هر معمار	جهان طراحی آثار برگزیده معماران برگزیده	۸ «معمار - معماری» اصفهان و تهران و کلان	
تاریخ شفاهی	شناخت جهان ذهنی معمار، نگرش، روشها و آثار ساخته شده هر معمار	جهان طراحی معماران برگزیده	۵ خانواده معمار (۱۴ معمار) اصفهان، یزد، قم، کلان، تهران	
مصاحبه نیمه ساختار یافته و مطالعات اسنادی	شناخت فهرستی از آثار، جامعه حرفه‌ای و تخصصهای هر معمار	معماران سنتی معاصر	۵۶ معمار: اصفهان، یزد، قم، کلان، تهران، تبریز، مشهد	

نمودار (۴): روش ترکیبی نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها (نگارنده)

منابع

- اخویان، محمد مهدی (۱۳۸۷)، تیشه‌داری: گذری بر آثار استاد محمد قاسم اخویان، معمار سنتی خراسان. تهران: فرهنگستان هنر.
- ادیب حاج باقری، م (۱۳۸۵)، گراند تئوری: راه و روش نظریه پردازی در علوم انسانی و بهداشتی. تهران: تحفه.
- استراوس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار تهران: نشر نی.
- اولیا، محمدرضا و بهرام قدیری (۱۳۷۲)، «آشنایی با استادکاران معماری سنتی ایران: حاجی علی اکبر آخوند»، ص ۱۱ و ۱۲، ص ۶۵-۵۸.
- اولیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، «اصطلاح‌شناسی معماری سنتی ایران - به سوی روشی جایگزین در بازشناسی معماری» رساله دکتری، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۹)، معماری معاصر ایران، چ سوم، تهران: هنر معماری قرن.
- پاول، ر. ا (۱۳۷۹)، روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران، ترجمه نجلا حریری، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- پورنادری، حسین (۱۳۷۹)، شعر باف و آثارش. ج ۲: گره و کاربندی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- جانثاری، رضا (۱۳۸۷)، «تاریخ شفاهی: خشت و آئینه گفتگو با استاد محمد رضا معماران بنام تبریز»، گلستان هنر، ویژه نامه، ص ۳۲-۲۶.
- حجت، عیسی (۱۳۸۹)، مشق معماری، تهران: دانشگاه تهران.
- حجت، عیسی (۱۳۹۱)، سنت و بدعت در آموزش معماری، تهران: دانشگاه تهران.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵)، اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
- حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۷)، تاریخ شفاهی در ایران، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراکز اسناد آستان قدس رضوی.
- رئیس‌زاده، مهناز و حسین مفید (۱۳۸۴)، احیای هنرهای از یاد رفته: مبانی معماری سنتی در ایران به روایت استاد حسین لرزاده. ج ۲، تهران: مولی.

- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۱: اصول و مبانی، چ نهم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سجادی نایینی، مهدی (۱۳۷۷ الف)، «به یاد استاد آقا ابراهیمیان، معمار سنتی اصفهان»، فرهنگ اصفهان، شماره ۷ و ۸، بهار و تابستان، ص ۱۳۳-۱۳۶.
- سجادی نایینی، مهدی (۱۳۷۷ ب)، «استاد محمد مصدق زاده، هنرمند کاشیکار اصفهانی»، فرهنگ اصفهان، شماره ۹ و ۱۰، پاییز و زمستان، ص ۱۲۲-۱۲۴.
- سجادی نایینی، مهدی (۱۳۸۰ الف)، «استاد حسین معارفی، معمار سنتی اصفهان»، فرهنگ اصفهان، شماره ۱۹، بهار، ص ۹۲-۹۶.
- سجادی نایینی، مهدی (۱۳۸۰ ب)، «استاد حسین مصدق‌زاده، آخرین بازمانده این خاندان هنرمند»، فرهنگ اصفهان، شماره ۲۰، تابستان، ص ۷۲-۷۷.
- سجادی نایینی، مهدی (۱۳۸۳)، «خاندان سنمار معماران سنتی اصفهان»، فرهنگ اصفهان، شماره ۲۹ و ۳۰، پاییز و زمستان، ص ۱۲۵-۱۳۲.
- سجادی نایینی، مهدی (۱۳۸۵ الف)، «معماران و استادکاران بناهای تاریخی، نادره کاران فراموش شده»، فرهنگ اصفهان، شماره ۳۳ و ۳۴، پاییز و زمستان، ص ۱۳۱-۱۳۳.
- سجادی نایینی، مهدی (۱۳۸۵ ب)، «استاد غلامرضا فرزانه‌ای محمدی معمار سنتی»، فرهنگ اصفهان، شماره ۳۱، بهار، ص ۹۷-۱۰۱.
- سجادی نایینی، مهدی (۱۳۸۷)، معماران و مرمتگران سنتی اصفهان، تصحیح و تدوین: گیتی مهرآذر، اصفهان: سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان.
- سمسار یزدی، علی اصغر (۱۳۸۳)، تدوین تجربیات خبرگان قنات، تهران: سازمان مدیریت منابع آب ایران: مهندسین مشاور ستیران یزد: شرکت سهامی آب منطقه ای یزد.
- شعرباف، اصغر (۱۳۸۵ الف)، گره و کاربندی. ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- شعرباف، اصغر (۱۳۸۵ ب)، گزیده آثار استاد اصغر شعرباف: گره و کاربندی، به اهتمام: مهدی مکی نژاد، تهران: فرهنگستان هنر.
- شعرباف، محمد (مصاحبه شونده) (۱۳۶۵)، فصلنامه هنر، ۱۲، پاییز، ص ۵۶-۶۵.
- طرح تاریخ شفاهی ابنیه متبرکه آستان قدس رضوی، تهیه کننده: مرکز تاریخ شفاهی در مرکز اسناد و مطبوعات بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی. [بی تا].
- علی احمدی، علیرضا و وفا غفاریان (۱۳۸۲)، «اصول شناخت و روش تحقیق (با نگاهی به مطالعات تاریخی)»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، س ۱۳، ش ۴۶ و ۴۷، تابستان و پاییز، ص ۲۴۱-۲۶۶.

- فلیک، اووه (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- قدیری، بهرام (۱۳۷۳ الف)، «آشنایی با استادکاران معماری سنتی ایران - استاد محمدرضا معماران بنام»، صفحۀ ۱۳-۱۴، ص ۸۸-۹۵.
- قدیری، بهرام (۱۳۷۳ ب)، «آشنایی با استادکاران معماری سنتی ایران: استاد اسماعیل زهره»، صفحۀ ۱۵-۱۶، ص ۷۲-۸۱.
- قدیری، بهرام (۱۳۷۶)، «آشنایی با استادکاران معماری سنتی ایران: استاد محمّد غلامعلی شعرباف»، صفحۀ ۲۴، ص ۹۲-۱۱۱.
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۹۰)، گفتارهایی در مبانی و تاریخ معماری و هنر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گروت، لیندا و دیوید وانگ (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: دانشگاه تهران.
- مختاری طالقانی، اسکندر (۱۳۹۰)، میراث معماری مدرن در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مصاحبه با استاد رضا معماران بنام تبریزی، مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی [بی تا].
- مصاحبه با بیوک معماران (فرزند استاذرضا معماران بنام)، مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی [بی تا].
- میرلطیفی، سید جلال (۱۳۸۴)، پایه‌ها و مایه‌های هنر و معماری اسلامی ایران (گفتار استاد پیرنیا)، طرح پژوهشی به شماره ۶۳۲/۲/۱۰۹۹، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.
- هاشمی، میترا (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر تاریخ شفاهی ایران. تهران: روزنه.
- Frisch, M., (1990), "Quality in history programs", In *A shared authority: Essays on the craft and meaning of oral and public history*, N. Y.: Statue University of New York.
- Glaser, B., & Strauss, A., (1967), *The discovery of grounded theory: strategies for qualitative research*, N. Y.: Aldine.
- Halliday, J. (2002), "Researching values in education", *British Educational Research Journal*, Vol. 28, pp. 49-62.
- Protelli, A., (1991), *The death of Luigi Trastulli and other stories: From and meaning in oral history*, Albany: State University of New York.

- Strauss, A.; Corbin, J., (1994), “Grounded theory methodology: An overview”, In N. K. Denzin, & Y. S. (eds), *Handbook of qualitative research*, (pp. 273-285). Thousand Oaks, CA.: Sage.
- Strauss, A.; Corbin, J., (1998), *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*, Thousands Oaks, CA.: Sage.
- Thompson, P. (1982), *The voice of the past: Oral history*, New York: Oxford University.